وجه اجماع شیعه

تا قبل از حدائق: تأیید کلّ قرائات

قبلا یادداشتی تحلیلی در باره عبارت مقدمه تبیان و مجمع نوشته بودم[1] که مبنی بر این توهم مشهور بود که کلمه «**غیر أنهم أجمعوا**[2]» نوعی مماشات با اهل سنت است و به تعبیری صاحب حدائق از باب رخصت و تقیه است،

اما به تدریج قرائن منفصله در کلام این دو بزرگ پیدا شد که بعید می‌نمود که منظور آنها از این اجماع شیعه، نوعی مماشات با اهل سنت باشد، تا این که در این ایام عید سعید غدیر خم سال ۱۴۴۳ بحمد الله تعالی عطیهٔ غدیریهٔ رسید و با کمال تعجب به قرینه متصله در ذیل عبارت مقدمه این دو کتاب توجه کردم، و با تجمیع قرائن به این اطمینان رسیدم که فهم تمام علماء بزرگ از عبارت این دو بزرگ، قبل از صاحب حدائق، همگی بر این بوده که مقصود شیخ و طبرسی قدهما همانگ و تایید همان عبارت المقاصد العلیهٔ شهید قده است که «**کلّ ممّا نزل به الروح الامین**»،

قبل از صاحب حدائق مثل علامه و شهیدین و محقق ثانی و محقق اردبیلی و... همگی عبارت «**غیر أنهم أجمعوا**» را چنین معنا می‌کردند که هر چند این روایات شایع در بین شیعه می‌فرمایند قرآن بر حرف واحد نازل شده است اما گمان نشود که شیعه قراءات مشهوره را از ناحیه خداوند متعال نمی‌دانند، خیر، بلکه اجماع کردند که این قراءات همگی از ناحیه خداست و حتی کراهت دارند (هر چند حرام نکردند) که یک قرائت خاص برگزیده شود، چون کلام خدا با کلام خدا تفاوتی ندارد، چرا یک قرائت انتخاب شود[3]؟

پس از حدائق: مماشات با عامه

اما پس از صاحب حدائق عبارت «**غیر أنهم أجمعوا**» را معنا می‌کنند به این که هر چند قرآن حرف واحد است اما شیعه مماشات کردند و همه قراءات را جایز شمردند.

تا آنجا که ما برخورد کردیم اولین کتابی که انکار تواتر قراءات را به شیخ الطائفهٔ قده نسبت داده حدائق است و پس از ایشان این نسبت در کتب بسیاری آمده است[4]،

نقد نسبت حدائق

نمی دانیم ایشان عبارت منقوله خود را از کجا نقل کردند؟ كلام ايشان، عين عبارت شيخ در مقدمه تبيان نيست،

و مهمتر اینکه در کلام شیخ و طبرسی قدما قرینه متصله در ذیل کلامشان موجود است که نه تنها انکار تواتر ای تعدد قرائات نیست؛ بلکه تایید تعدد قرائات نزد شیعه است، یعنی بر خلاف آنچه رایج شده و به ایشان نسبت داده میشود، آن دو بزرگوار حدیث حرف واحد را محتاج تأویل دانستند نه برعکس.

---

[1] فصل اول این نوشتار

[2] در این عبارت:

واعلموا ان العرف من مذهب اصحابنا والشائع من اخبارهم وروایاتهم ان القرآن نزل بحرف واحد، علی نبی واحد، **غیر انهم اجمعوا** علی جواز القراءة بما یتداوله القراء(التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص 7)

[3] مراجعه کنید به سایت فدکیه، صفحه تواتر نقل اجماع بر تواتر قرائات سبع-مفاتح الکرامة

[4] و بالجملة فالنظر في الأخبار و ضم بعضها إلى بعض يعطي جواز القراءة لنا بتلك القراءات رخصة و تقية و ان كانت القراءة الثابتة عنه (صلى اللّه عليه و آله) انما هي واحدة و إلى ذلك أيضا يشير كلام شيخ الطائفة المحقة (قدس سره) في التبيان حيث قال: ان المعروف من مذهب الإمامية و التطلع في اخبارهم و رواياتهم ان القرآن نزل بحرف واحد على نبي واحد غير أنهم أجمعوا على جواز القراءة بما يتداوله القراء و ان الإنسان مخير بأي قراءة شاء قرأ، و كرهوا تجريد قراءة بعينها. انتهى و مثله أيضا كلام الشيخ أمين الإسلام الطبرسي في كتاب مجمع البيان حيث قال: الظاهر من مذهب الإمامية أنهم أجمعوا على القراءة المتداولة بين القراء و كرهوا تجريد قراءة مفردة و الشائع في أخبارهم (عليهم السلام) ان القرآن نزل بحرف واحد. انتهى.

و كلام هذين الشيخين (عطر اللّه مرقديهما) صريح في رد ما ادعاه أصحابنا المتأخرون (رضوان اللّه عليهم) من تواتر السبع أو العشر، على ان ظاهر جملة من علماء العامة و محققي هذا الفن إنكار ما ادعى هنا من التواتر أيضا.(الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج8، ص: 100)

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2025 14:25:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2025 14:26:35 توسط ... .